

هاتف علیمردانی از «کلمبوس» و دغدغه‌های سینمایی‌اش به «صبا» می‌گوید

# به خاطر مردم!

بحران به دنیا آمدیم، در بحران زندگی کردیم و همیشه به دنبال یک راه نجات بودیم! من به عنوان کسی که مهاجرت کردم، هیچ وقت نمی‌توانم ضد مهاجرت صحبت کنم؛ رطب خورده منع رطب کی کند؟

با این که به این قائل هستید که «کلمبوس» یک اثر اجتماعی با رگه‌های کمدی است و در ادامه فیلم‌های قبلی‌تان است، اما وقتی به کارنامه کاری شما نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم فضاهای نسبتاً مختلفی را در فیلمسازی دنبال کردید، جزو آن دسته از کارگردانان هستید که به نظر تان فیلمساز باید تنوع ژانر داشته باشد؟

مسیر من مشخص است؛ من فیلم کودک، فیلم اجتماعی درباره جوانان، فیلم درباره جنگ و... ساختم. سعی می‌کنم فضاهای مختلف را تجربه کنم و به نظر من هنوز در مرحله آزمون و خطا و بسیار بی‌تجربه هستم. معمولاً دوست دارم برای رسیدن به زبان محکمی که می‌خواهم در آثارم وجود داشته باشد، تجربه‌های بیشتری کنم. این تجربه‌ها گاهی همسو می‌شود با همان چیزی که می‌خواهم و گاهی هم نه! اما در تمام این هشت فیلمی که تا به امروز ساختم، مهم‌ترین دغدغه‌ام تجربه کردن بوده است.

فارغ از کمدی‌های سطح پایین، در چند وقت اخیر به سبب شرایط موجود و تنشی که در جامعه وجود دارد بسیاری از فیلمسازان به سمت و سوی سینمای کمدی رفتند، این موضوع چقدر برای خود شما تعیین‌کننده بوده است؟

حال مردم ما چندان خوب نیست و خیلی‌ها به قصد این که کمی حالشان بهتر شود به سینما می‌روند. در چنین شرایطی ما نیز باید با زبانی فیلم بسازیم که مردم نیاز دارند. در حال حاضر زمان ساخت فیلم‌های تلخ و تاریک نیست چرا که مردم آن را پس می‌زنند. من که فیلمساز مردمی هستم و از چرخه سینما ارتزاق می‌کنم باید با زبان مردم همگام باشم و به همین دلیل آنچه را می‌سازم که مردم می‌خواهند. سعی می‌کنم فیلم‌هایم را با حال امروز مردم تطبیق دهم اما متأسفانه در فضای حال حاضر اتفاقاتی را تجربه می‌کنیم که بسیار ناراحت‌کننده است؛ دو سال پیش مصاحبه‌ای کردم و گفتم می‌خواهم فیلمی درباره آمریکا بسازم، در طول این مدت فیلم‌های بسیاری در مورد آمریکا ساخته شد، شما نگاه کنید اسم تمام شهرهای آمریکا تبدیل به اسم فیلم شد. نمی‌دانم آیا این مسئله اتفاقی است؟ به نظرم به لحاظ ایده پردازی کمی مشکل داریم و از روی دست هم نگاه می‌کنیم. این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سینمای ماست. در فیلم‌ها مد شده به یک کشور خارجی می‌روند، یک بازیگر زن خارجی که حجاب ندارد را هم عهده‌دار یکی از نقش‌های اصلی می‌کنند، این کارها فقط برای یک یا دو فیلم جواب می‌دهد و در فیلم سوم همه چیز لو می‌رود. فیلمسازان باید به فکر ایده‌های نو باشند.

اما یکی از مسائل جالب توجه فیلم شما، مشارکت فرهاد اصلانی در بخش فیلمنامه است!

فرهاد اصلانی در تمام مراحل و در تمام فیلم‌هایم همراه من بوده است، در «کلمبوس» نیز از ابتدا تا انتهای ساخت اثر حضور داشت.

در تمام آثار شما بازیگران خاصی تکرار می‌شوند، به عنوان مثال باران کوثری، هانیه توسلی، فرهاد اصلانی و... از جمله کسانی هستند که در بیشتر آثار شما حضور داشتند، چرا فقط با بازیگران خاصی کار می‌کنید؟

به دلیل این که بازیگر خوب کم داریم.

این احتمال وجود دارد که در کارهای بعدی‌تان فضایی شبیه به «کلمبوس» را تجربه کنید؟

نمی‌دانم، هیچ چیز مشخص نیست. ابتدا باید این اثر تمام و کمال به نتیجه برسد و بعد ببینم می‌خواهم برای ساخت اثر بعدی چه کنم، اصلاً نمی‌دانم قرار است فیلمی بسازم یا نه!

مردم ایران به سبب شرایط موجود، این روزها با اتفاقات جهانی که گریبان گیر ایران می‌شود کاملاً عجیب هستند و از این حیث با اثر شما در این مقطع زمانی ارتباط خوبی برقرار می‌کنند، اما خودتان شرایط اکران اثر را چطور می‌بینید؟

اصلاً شرایط اکران فیلم مطلوب نیست، بی‌نامگی‌ها، قانون شکنی‌ها، فیلم‌سوزی‌ها و... اتفاقاتی است که شرایط اکران همه فیلم‌ها را بحرانی کرده است. به شدت سینمای ما آلوده شده و بی‌نظمی بدی بر اکران فیلم‌ها حاکم است.

بعد از دیدن «کلمبوس» اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد، تفاوتی است که این اثر با آثار قبلی شما دارد. چطور سمت‌وسوی فیلمسازی شما به سمت دیگری رفت و به سراغ ساخت یک فیلم کمدی رفتید؟

هیچ چرخشی وجود ندارد، فیلم «کلمبوس» در ادامه همان سینمایی بوده که من سال‌هاست، آن را دنبال می‌کنم. «کلمبوس» یک فیلم اجتماعی با رگه‌های کمدی است، اگر شما فیلم‌های قبلی من «آباجان»، «هفت ماهگی»، «کوچه بی‌نام» و... را دیده باشید، متوجه خواهید شد حتی همان فیلم‌ها پر از لحظه‌هایی است که مخاطب را می‌خنداند. سینمای من فضایی ناتورالیستی دارد که همواره سعی می‌کند ترکیبی از خنده و غم باشد. «کلمبوس» در ادامه فیلم‌های قبلی من است و به هیچ وجه نمی‌توان گفت «کلمبوس» یک فیلم کمدی است.

اما در حال حاضر همه ژانر کمدی را به فیلم اطلاق می‌کنند، شما خودتان این برچسب را قبول ندارید؟

خیر، این فیلم، اثری اجتماعی با رگه‌های کمدی است!

در ادامه صحبتی که خودتان داشتید باید بگویم شما در این فیلم همچنان دغدغه‌های اجتماعی خود را پی گرفتید و به نوعی با توجه به شخصیت‌ها و پایان‌بندی اثر، «کلمبوس» به سمت فضای کمدی سیاه سوق پیدا کرده است، خودتان تا چه اندازه به این موضوع قائل هستید؟

طنز تلخ گزنده و هدفمندی در تمام طول قصه من وجود دارد تا تلنگری بزند، «کلمبوس» یکی از چالش‌های مهم موجود در جامعه را هدف قرار داده است و در مورد آن با مخاطب صحبت می‌کند. چند روز پیش خبری خواندم مبنی بر این که از هر هفت نفر در دنیا، یک نفر مهاجر است، فکر می‌کنم این آمار در جغرافیای ایران رشد بیشتری داشته باشد؛ شاید چیزی حدود ۱۵ درصد ایرانیان مهاجر باشند و نزدیک به ۳۰ درصد آن‌ها در فکر مهاجرت باشند. این رویکرد بسیار در جامعه ما در حال گسترش است و به نظر من موضوع مهمی بوده و ما باید در مورد آن صحبت کنیم. البته در خصوص مهاجرت فیلم‌های بسیاری ساخته شده ولی معمولاً همه آن‌ها به درگیری‌های پس از مهاجرت پرداخته‌اند اما در سینما از این که چرا مهاجرت می‌کنیم، چه تفکری داریم و در نهایت چه چیزی در انتظار ماست، کمتر صحبت شده است. با «کلمبوس» خواستم بگویم، مهاجرت زوایای تلخ و پیچیده بسیاری دارد اما نخواستم مخاطب را به مهاجرت کردن یا نکردن تشویق کنم چرا که خودم مهاجرت کردم و جزو کسانی بودم که روزی تصمیم گرفتم و رفتم؛ به خاطر این که ترجیح می‌دادم فرزندم در شرایط بهتری بزرگ شود، امکانات بهتری در اختیار او باشد، فضاهای آموزشی بهتری را تجربه کند، آن بحران‌هایی که من تجربه کردم او تجربه نکند. اما واقعا این تفکرات شدنی است؟ با مهاجرت تحقق پیدا خواهد کرد؟ من که به واسطه سال‌ها کار و تلاش توانستم جایگاه اجتماعی خوبی را به دست بیاورم و به عنوان یک کارگردان شناخته شدم، پس از مهاجرت در جغرافیای تازه چیزی شبیه به یک شهروند در جده هستم، دیگر هاتف علیمردانی نیستیم! اگر زبان انگلیسی را به خوبی صحبت کنم در حد یک شهروند در جده هستم و اگر نه، با یک کودک ده‌ساله هیچ تفاوتی ندارم!

اما خیلی‌ها نگاه شما در «کلمبوس» را ضد مهاجرت می‌دانند؛ البته نظر شخصی خود من نیست اما خودتان چقدر با چنین نگاهی این فیلم را ساختید و چنین برچسبی را قبول دارید؟

همیشه نقدها برایم مهم بوده و آن‌ها را دنبال می‌کنم، خوشبختانه بازخورد‌های مثبتی برای «کلمبوس» گرفتم. در این فصل سرما که چندان برای اکران فیلم مطلوب نیست، در شرایطی که همه کمی به سینمای کمدی بدبین شدند، من از مخاطبان و منتقدان بازخورد‌های خوبی دریافت کردم. این بازخوردی که مردم نسبت به آخرین ساخته من نشان دادند، من را واقعا شرم‌منده کرد! نقدها را گوش می‌دهم و می‌خوانم چرا که برای مردم فیلم می‌سازم و مهم‌ترین ویژگی فیلم‌های من همین مردمی بودن آن‌هاست. در همه آثارم و در رابطه با هر موضوعی چه مهاجرت باشد یا هر مسئله دیگر، سعی می‌کنم در نقطه صفر قرار بگیرم. قضاوت و یا اظهار نظر نمی‌کنم فقط می‌خواهم شرایط و بحران‌ها را به نمایش بگذارم. «کلمبوس» ضد مهاجرت نیست چنانکه در برخی لحظات فیلم از مهاجرت دفاع کردم مثل نریشن پایانی فیلم که می‌گوید ما در



ملیکا مومنی راد  
گفت و گو

هاتف علیمردانی جزو موفق‌های نسل خودش است، کارگردانی نسبتاً پرکار که پیوسته در سینمای ایران کار کرده و توانسته آثار قابل اعتنایی را روانه پرده نقره‌ای کند. گرچه «کوچه بی‌نام» هنوز هم بهترین اثر او و نقطه عطف کارنامه کاری‌اش است اما آثار دیگری چون «آباجان»، «هفت ماهگی»، «بخاطر پونه» و... هر کدام قابل بحث هستند و در نگاه مخاطب ماندگار شدند. علیمردانی پس از «آباجان»، «کلمبوس» را با رگه‌های بارز کمدی و البته نگاهی اجتماعی به تب مهاجرت ساخت و این چنین دنبال‌کنندگان سینمای خود را با یک فضای متفاوت روبه‌رو کرد. به بهانه اکران «کلمبوس» گفت‌وویی با هاتف علیمردانی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.